

## بازخوانی معیار بخاری درگزینش احادیث و نقد و بررسی شروط راویان<sup>۱</sup>

سید معصوم حسینی<sup>۲</sup>

منیره سادات کامرانی<sup>۳</sup>

### چکیده

اگرچه علمای عامه، کتاب صحیح بخاری را صحیح‌ترین کتب پس از کتاب‌الله نامیده‌اند؛ اما بخاری در مقدمه کتاب خود، به صراحت سخنی از معیارهای گزینش احادیث و انتخاب راویان و شروط آنان بیان نداشته است. در این میان برخی با بررسی مدالیل و اسناد احادیث این کتاب، در استخراج ملاک‌های او کوشیده‌اند. به نظر می‌رسد معیار وی، گزینش احادیث فاقد شذوذ و علت بوده است؛ به گونه‌ای که راویان همگی ثقه، عادل و ضابط باشند و از حیث سند به پیامبر ﷺ یا متصلاً به صحابی برسند.

این پژوهش می‌کوشد با بازنگری معیارهای بخاری، به نقد و بررسی شروط راویان - یعنی صحابی عادل، ایمان داشتن، راست‌گویی و وثاقت - بپردازد. با بررسی انجام شده مشخص شد که معیارها و شروط یاد شده، با احوال برخی از راویان مانند ابوهریره، عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری و عمران بن حطان در تضاد است. این پژوهش درصدد است با توجه به این که علمای اهل سنت روایات موجود در صحیح بخاری را به طور کامل پذیرفته‌اند، با بیان دلایل گوناگون اثبات کند تعداد درخور توجهی از روایات بخاری، فاقد سند صحیح‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** جوامع روایی اهل سنت، عدالت صحابه، احادیث جعلی، علم رجال، مبانی جرح و تعدیل.

۱. این نگاشته همسو با فعالیت‌های علمی مرکز تخصصی حدیث، منتشر می‌شود.

۲. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. (masoomHosseini@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد - پردیس، واحد بین‌الملل. (arvand1390@yahoo.com)

## مقدمه

پس از رحلت حضرت رسول ﷺ صحابه از نوشتن حدیث منع شده بودند؛ چنان که در زمان ابوبکر و عمر اگر کسی حدیثی روایت می کرد از او شهود می طلبیدند و تا دو شاهد نمی آورد حدیثش را نمی پذیرفتند.<sup>۱</sup>

در اوایل قرن سوم هجری محمد بن اسماعیل مشهور به بخاری ظهور کرد. او با دیدن مصنفات و مسانید، پس از مدتی به این نتیجه رسید که احادیث صحیح و غیر صحیح در آنها با یکدیگر مخلوط شده و در کنار هم قرار گرفته اند، به طوری که تشخیص صحیح و غیر صحیح آن برای هر کسی امکان پذیر نیست. از این رو تصمیم گرفت از بین هزاران حدیث، احادیث صحیح را جدا سازد، به طوری که برای کسی جای تردید باقی نگذارد.<sup>۲</sup>

درباره انگیزه بخاری از نگارش صحیح و معیارهایش در گزینش روایات، سخنی مستقیم از وی وجود ندارد؛ اما ابن حجر عسقلانی انگیزه بخاری در تألیف صحیح را توصیه استاد او اسحاق بن ابراهیم حنظلی معروف به ابن راهویه می داند؛ چنان که روزی در مجلس درس، خطاب به شاگردان خود گفت:

لوجعتم کتاباً مختصراً لصحیح سنة رسول الله ﷺ؛<sup>۳</sup>  
کاش کسی کتابی مختصر از سنت صحیح پیامبر ﷺ جمع می کرد.

این سخن بر دل بخاری تأثیر گذاشت و به جمع و تنظیم جامع صحیح پرداخت. محمد ابوزهو - از محققان معاصر - معتقد است بر تصمیم گیری بخاری برای تدوین کتاب، عوامل مختلفی مؤثر بوده است.<sup>۴</sup> این نوشتار به منظور آشنایی اجمالی با روایات صحیح بخاری بر آن است به

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱.

۲. هدی الساری، ج ۱، ص ۴.

۳. منهج المحققین، ص ۱۰۱.

۴. نک: الحدیث والمحدثون، ص ۳۷۷-۳۷۸.

الف) اشتغال مصادر و مجموعه های حدیثی پیش از بخاری بر احادیث صحیح، حسن و ضعیف به طوری که در آن دوره تمییز روایات صحیح از ضعیف جز بر اهل فن میسر نبود.

ب) عدم تبویب حدیث در مجموعه های حدیثی، به ویژه کتب مسانید با این توضیح که هدف مؤلفان این کتب، تنها جمع آوری و حفظ روایات بود.

ج) بی توجهی اکثر محدثان و راویان به فقه روایات و پرداختن تنها به حفظ و نقل آنها.

معیارهای وی درگزینش احادیث و راویان بپردازد. اگرچه این ملاک‌ها با توجه به نام کتاب و پیشنهاد استادش قابل بیان است، اما این سؤال مطرح می‌شود که از نظر علمای عامه و خاصه، منهج بخاری در انتخاب احادیث و شروط راویان چه بوده است؟ تا چه اندازه معیارهای به دست آمده با روایات موجود و راویان کتاب **صحیح بخاری** تطابق دارد؟

هدف این نوشتار، اثبات این مسئله است که منهج و شروطی که بخاری برای راویان ذکر می‌کند، در بسیاری از موارد با استناد به دلایل عقلی و نقلی، پذیرفتنی نیست. از این رو بررسی این شروط در عصر حاضر برای تحقیق و بررسی در حوزه مسائل اعتقادی و... ضرورتی دوچندان دارد.

### شرط بخاری و معیارهای او درگزینش احادیث

از آن جا که **صحیح بخاری** فاقد خطبه و سخن آغازین از سوی نویسنده آن است، دانشمندان، شروط بخاری و معیارهای او درگزینش روایات صحیح را از توجه به منهج او در کتاب **صحیح** استنباط کرده‌اند؛ چنان که در مقدمه کتاب، دیدگاه‌های علما درباره شروط و ملاک بیان روایات ذکر شده است. در ذیل به دیدگاه‌های دانشمندان متعدد در این باره می‌پردازیم.

عجاج خطیب می‌نویسد:

بخاری روایات خود را از طریق روایانی انتخاب کرد که مشهور به عدالت و ضبط و اتقان بوده‌اند. نکته دیگر آن است که شرط بخاری از نگاه به نام کتاب او یعنی **الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سنته و آیاته** نیز به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

بر این اساس، عنوان «الجامع» در نام کتاب، حکایت از آن دارد که همه ابواب هشت‌گانه حدیث را در بر گرفته است.

صبحی صالح - از عالمان معاصر اهل سنت - در تعریف الجامع می‌نویسد:

المجامعُ من کُتُب الحدیث تُشتمِلُ علی جمیع ابواب الحدیث التي اصطَلَحوا علی انها ثمانية: باب العقائد، باب الاحکام، باب الرقاق، باب آداب الطعام والشراب، باب التفسیر و التاريخ والسير، باب السفر والقیام والقعود، باب الفتن و اخیراً باب المناقب و المثالب،

۱. اصول الحدیث، ص ۳۱۲-۳۱۳.

فالکتاب المشتمل علی هذه الابواب الثمانية یسمى جامعاً: کجامع البخاری و جامع الترمذی.<sup>۱</sup>

با مراجعه به صحیح بخاری درمی یابیم که این کتاب شامل تمام ابواب حدیث، یعنی باب عقاید، احکام، رفاق (روایاتی که موجب رقت قلب می شود)، آداب خوردن و آشامیدن، باب تفسیر و تاریخ و سیره، باب سفر و نشست و برخاست، باب فتنه ها و اختلافات و آخرین باب، باب منقبت ها و مذمت هاست.

عنوان «صحیح» نیز در نام کتاب، حکایت از آن دارد که بخاری از آوردن حدیث ضعیف در کتاب خود احتراز کرده است.<sup>۲</sup> اگرچه اهل سنت حدیث صحیح را حدیثی می دانند که افزون بر وثاقت راویان متن هم مخالف با اوثق از خودش باشد (یعنی شدوذ نداشته باشد)،<sup>۳</sup> اما عملاً می بینیم برخلاف معیار یادشده، صحیح بخاری از ضعف محتوایی برخوردار است. مهم ترین نقد وارد شده بر این کتاب، انعکاس روایاتی است که حتی از دیدگاه برخی صاحب نظران اهل سنت، از هر جهت با فرهنگ و آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام مخالف است.

از سوی دیگر، قداست و جایگاه رفیع این کتاب در میان جامعه دینی اهل سنت، سبب شد این روایات مورد استناد و اعتنای بسیاری از پژوهشگران قرار گیرد. بدون تردید اگر مدعی باشیم صحیح بخاری به عنوان مهم ترین منبع روایی، در شکل دهی به شماری از اندیشه های ناصواب کلامی و فقهی و دور ساختن امت اسلامی از فرهنگ ناب اسلامی و قرآنی، بیشترین نقش را داشته است، سخنی به گزاف نخواهد بود. صحیح بخاری در بُعد توحید از خدایی یاد می کند که جسم، اعضا و جوارح دارد و دیده می شود و مانند موجودات عادی محل اعراض و صفات قابل زوال است. در بُعد نبوت از پیامبرانی نام می برد که دروغ می گویند، غذای حرام می خورند و در ابعاد دیگر، قرآن را تحریف شده معزفی می کند.<sup>۴</sup>

سیوطی در تدریب الراوی می نویسد:

۱. علوم الحدیث، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹.

۳. درایة الحدیث، ص ۱۷۹.

۴. حدیث شناسی، ج ۱، ص ۱۴۴.

محدثان اهل سنت، صحیح را روایتی می‌دانند که سند آن توسط راویان عادل و ضابط، متصل بوده و فاقد شذوذ و علت باشد.<sup>۱</sup>

اما عنوان «مسند» بیان‌گر آن است که مقصود اصلی بخاری، آوردن روایاتی است که از وی تا رسول خدا ﷺ سند متصل داشته باشد.<sup>۲</sup> از این رو اگر در کتاب او روایاتی غیرمتصل وارد شده، امری بالعرض است و هدف اصلی بخاری را تشکیل نمی‌دهد. بنابراین با سه عنوان «الجامع»، «صحیح» و «مسند» می‌توان تا حدود زیادی به شروط و معیارهای گزینش روایات از دیدگاه بخاری دست یافت. به عبارتی او درصدد بوده حدیثی را ذکر کند که دارای شرایط زیر باشد:

۱. راویان حدیث همگی عادل و ضابط باشند؛
  ۲. بر ثقه بودن همه راویان آن اتفاق نظر وجود داشته باشد؛
  ۳. سند آن متصل باشد و به پیامبر ﷺ یا به صحابی مشهور برسد؛
  ۴. بین ثقات آن اختلافی وجود نداشته باشد.
- حاکم نیشابوری ادعا می‌کند شرط بخاری و مسلم این بوده که یک صحابی، دو راوی یا بیشتر داشته باشد؛ سپس تابعی مشهور نیز دارای دو راوی موثق بوده و به همین ترتیب سند حدیث بالا رود.<sup>۳</sup>
- این ادعا قابل نقض است؛ چرا که بخاری و مسلم احادیث عده‌ای از صحابه را در کتاب خود ذکر کرده‌اند که تنها یک راوی دارد، اما درباره افراد بعد از صحابه، مقبول و معتبر است؛ زیرا در صحیح بخاری حدیثی وجود ندارد که روایت یک تابعی بوده و تنها یک راوی داشته باشد.<sup>۴</sup>
- الحافظ ابوبکر حازمی می‌گوید:

این مطلبی را که حاکم گفته است، سخن کسی است که در صحیح بخاری دقت نظر نداشته باشد؛ اما اگر در این کتاب غور و دقت کند، می‌بیند که بخشی از این کتاب ادعای وی را نقض می‌کند.

۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۳.

۲. حدیث شناسی، ج ۱، ص ۵۰.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱.

وی درباره شرایط بخاری گفته است:

شرط بخاری در صحیح این است که اسناد آن متصل و راوی آن مسلمان و راست گو باشد و مدلس و مختلط نباشد و دارای صفات عدالت، ضبط، حافظه قوی، ذهن و اعتقاد سالم و نیز کم اشتباه باشد. کسی که می خواهد حدیث صحیح را در کتاب خود بیاورد، لازم است شیوه اش این باشد که در بین مشایخ عادل خود، حال راوی عادل را مورد نظر قرار دهد؛ زیرا حدیث برخی از آنها ثابت و صحیح و حدیث برخی از آنان مدلول است. البته به عقیده ابن حجر عسقلانی این باب پیچیده است و راه حل آن شناخت طبقات روات از راوی اصلی و مراتب درک و فهم آنهاست. مثلاً باید دانست که اصحاب زهری در پنج طبقه قرار می گیرند و هر طبقه مزیتی بر طبقه بعدی دارد.

کسی که در طبقه اول است؛ حدیث او در نهایت و غایت صحت است و آن هدف و مقصد بخاری است. طبقه دوم با طبقه اول در فحص و دقت مشارکت دارند، با این تفاوت که طبقه اول، حفظ، اتقان، طول ملازمت و مصاحبت با زهری را در خود ایجاد کرد، به گونه ای که در سفر و حضر همراه و هم سفر وی بوده است. اما طبقه دوم تنها مدتی کوتاه با زهری ملازمت داشته اند و ممارست در حدیث وی پیدا نکرده اند. بدین ترتیب، به لحاظ اتقان از طبقه اول پایین تر هستند.

طبقه اول مانند یونس بن یزید، عقیل بن خالد، مالک بن انس، سفیان بن عیینه؛ طبقه دوم نظیر اوزاعی، لیث بن سعد، عبدالرحمن خالد بن سفر و ابن ابی ذئب؛ طبقه سوم، جعفر بن برقان، سفیان بن حسین و اسحاق بن عیسی الکلبی؛ طبقه چهارم، زمعه بن صالح، معاویه بن یحیی الصدفی و المثنی بن الصباح؛ طبقه پنجم، عبدالقدوس بن حبیب، حکم بن عبدالله الأیلی و محمد بن سعید المصلوب.<sup>۱</sup>

بنابراین طبق نظر بخاری، شرط صحت حدیث نقل از افراد طبقه اول است و گاهی اوقات از طبقه دوم نیز حدیث نقل می کند.

مبارکفوری از جمله کسانی است که درباره شرایط بخاری نظریاتی مشابه سایر محدثان بیان داشته که اکثر آنها برگرفته از نامی است که بخاری بر کتاب خویش نهاد و در تعاریفی که از سه عنوان الجامع، صحیح و مسند ذکر شد، معیارهای گزینش بخاری بیان گردید. او نیز معتقد است:

۱. هدی الساری، ص ۷؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱-۱۲.

۱. بروثاقت تمام راویان سند تا واسطه صحابی وحدت نظر وجود داشته باشد و از عیوبی چون تخلیط و تدلیس برکنار باشد؛
۲. در سند حدیث انقطاعی نباشد. به عبارتی، حدیث تا پیامبر ﷺ متصل باشد (مسند)؛
۳. متن حدیث خالی از شذوذ و علت باشد (حدیث صحیح)؛
۴. محدثان قبل یا معاصر بخاری بر صحت حدیث اتفاق نظر داشته باشند؛
۵. اگر سند حدیث به صورت معنعن باشد، ملاقات راوی با شیخ او ثابت شود.<sup>۱</sup>

چنان که می بینیم، تا آن جا که به شخص بخاری، به ویژه روایات صحیح ارتباط پیدا می کند، مهم ترین ویژگی روایات این کتاب، همان اتصال سند به شمار می رود که از آن در عنوان کتاب خود به «مسند» تعبیر کرده است.

درباره وثاقت راویان یا عاری بودن متن روایات از علل و شذوذ، سخن صریح و دقیقی از بخاری در کتابش وجود ندارد و نظر دانشمندان در این موارد، برگرفته از روایات کتاب و تفحص در احوال راویان احادیث اوست. از همین رو برخی دانشمندان برای بخاری قائل به دو شرط «معاصرت» و «ملاقات» راوی با مروی عنه شده اند. این امر نشان دهنده دقت و احتیاط بخاری در تعیین حدیث صحیح است.

اما واژه «صحیح» در نام کتاب، حاکی از آن نیست که بخاری از بیان حدیث ضعیف در کتابش خودداری کرده است. از سوی دیگر، درباره شرایطی چون وثاقت و ضبط راوی، عاری بودن متن روایات از علل و شذوذ و نیز معاصرت و ملاقات راویان، سخن صریحی از بخاری وجود ندارد. به نظر می رسد این شرایط از جانب متأخران مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

پس از بیان دیدگاه های دانشمندان درباره شروط بخاری درگزینش روایات، لازم است به تنقیح شروط راویان احادیث صحیح بخاری پرداخته شود. با گذر بر مطالب یادشده، روشن می شود که معیار بخاری درگزینش و نقل احادیث، از راویانی است که دارای شروط زیر باشند:

۱. راوی از صحابی مشهور پیامبر ﷺ بوده و این صحابی دارای دو راوی موثق از طبقه

۱. سیرة الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۲. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۷۳؛ همچنین نک: شروط الائمة الخمسة، ص ۴۳-۴۶؛ حیاة البخاری، ص ۳۰.

تابعان باشد. سپس از هر یک از این دو تابعی، دو راوی مورد اعتماد از طبقه تابع تابعان حدیث روایت کنند و به همین ترتیب، سند حدیث به طبقه اساتید بخاری و مسلم که به عدالت و حفظ مشهور باشند، برسد.<sup>۱</sup>

۲. محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷) در کتاب *شروط الائمة الستة* نظر فوق را به صورت زیر تعدیل می‌بخشد و می‌گوید:

شرط بخاری و مسلم آن بود که به نقل احادیثی مبادرت کنند که در موثق بودن راویان آن (از اساتید بخاری تا طبقه صحابه) بین رجالیون معتبر، اختلافی وجود نداشته باشد. البته اگر از صحابی، دو تن یا بیشتر روایت کرده باشند بهتر است؛ اما اگر صحابی جز یک راوی - از تابعان - نداشته باشد، ولی طریق سند تا او صحیح باشد، همین کفایت می‌کند.<sup>۲</sup>

۳. برخی از محققان شرایط دیگری از جمله راوی، مسلمان راست گو (بدون تدلیس و تخلیط) و متصف به صفت عدالت، ضابط بودن راویان، سلیم الذهن و سلیم الاعتقاد، و دور بودن از وهم را برشمرده‌اند.<sup>۳</sup>

### نقد و بررسی شروط راویان بخاری

ابن حجر عسقلانی در مقدمه شرح خود بر *صحیح بخاری* می‌نویسد:

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد مستملی گفته است: من کتاب بخاری را از نسخه اصلی که نزد محمد بن یوسف فربری بود، استنساخ کردم و به مطالبی برخوردیم که تمام نشده و صفحات سفید داشت؛ از جمله اسامی روات که فاقد شرح حال بود، یا احادیثی که وضعیت آنها مشخص نبود.<sup>۴</sup>

#### ۱. صحابی مشهور پیامبر اکرم ﷺ و بررسی عدالت صحابه

پیش از بررسی و نقد اولین شرط بخاری، مروری بر تعریف صحابی از دیدگاه اهل سنت لازم است.

صحابه در اصطلاح به کسی می‌گویند که پیامبر اکرم ﷺ را در حال اسلام دیدار کرده

۱. الحدیث والمحدثون، ج ۱، ص ۳۸۴؛ منهج المحدثین، ص ۵۸.

۲. الحدیث والمحدثون، ص ۳۸۵.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱.

۴. اضاء علی السنة المحمدية، ص ۳۱۶.



باشد.<sup>۱</sup> نووی در مقدمه شرح مسلم می نویسد:

اگر کسی لحظه‌ای با رسول خدا ﷺ معاشرت پیدا کرده باشد، به او صحابی می گویند. علمای عامه، همه صحابه را عادل می شمارند.<sup>۲</sup>

ابوریه نیز در کتاب *اضواء علی السنة محمدیه* می گوید:

اهل سنت عموماً معتقد به عدالت همه صحابه هستند، اما درباره این نظر اختلافات فراوان و بحث و جدل زیادی صورت گرفته است.<sup>۳</sup>

ابن اثیر تصریح کرده است:

اصحاب پیامبر ﷺ در همه امور به جز جرح و تعدیل، با سایر راویان مشترک اند؛ زیرا همه شان عادل اند و جرح و طعنی متوجه آنان نیست.<sup>۴</sup>

ابوریه از قول ذهبی چنین می آورد:

اما صحابه پیامبر ﷺ، آنان بساطشان برچیده شده است. هرچه بین آنان گذشته باشد و هر خطا و اشتباهی که از آنان سرزده باشد، احدی از انسان ها مصون از اشتباه نیست. اما غلط اندک، [به عدالت وی] ابداً ضرری نمی زند؛ زیرا اعتقاد به عدالت آنان و پذیرش روایت شان مبنای عمل شرعی و پرستش خدای متعالی است.<sup>۵</sup>

آیا می توان نزاع های صحابه با یکدیگر را که به جبهه گیری های شدید و جنگ با یکدیگر صورت گرفته است، مصداق خطای جزئی فرض کرد؟

برخی از معتقدان نظریه عدالت صحابه از باب اضطرار به این نظر معتقد شده اند؛ زیرا با انکار عدالت صحابه هزاران حدیث و روایت که از امثال ابوهریره، انس بن مالک، عبدالله بن عمرو... نقل شده است زیر سؤال خواهد رفت. از طرفی نیز برخی از همین صحابه به جعل حدیث متهم شده اند.

این گونه است که معتقدان عدالت صحابه طرفداران صحت روایاتی چون «اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم» هستند.

۱. *درایة الحدیث*، ص ۴۸.

۲. *المنهاج فی شرح صحیح مسلم*، ج ۱، ص ۳۶.

۳. *اضواء علی السنة محمدیه*، ص ۳۳۹.

۴. *اسد الغابة*، ج ۱، ص ۱۷.

۵. *اضواء علی السنة محمدیه*، ص ۳۴۲.

آیت الله میلانی در نقد حدیث مذکور می نویسد:

آیا همه صحابه بعد از رسول خدا ﷺ بر خیر و راستی بودند؟ اگر این چنین باشد، پس معنای قول خداوند متعال که فرمود: «أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ»<sup>۱</sup> و قول خداوند متعال: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ»<sup>۲</sup> چیست؟

و غیر آیات فوق که نصّ بر وجود منافقان بین اصحاب رسول خدا ﷺ را دارد؛ مانند ولید بن عقبه که آیه<sup>۳</sup> درباره او نازل شده است.<sup>۴</sup> همچنین وجود شواهد تاریخی قطعی که گواهی بر شرب خمر و قسم دروغ و انجام عمل زنا و... توسط کسانی است که از دیدگاه برخی علمای اهل سنت صحابی نام گرفتند، عدالت صحابه را به طور جمیع و اجماعی رد می کند.<sup>۵</sup>

از سویی دیگر، نام همین صحابه که تاریخ بر فسق، نفاق، فتنه گری و خصومت قطعی آنها با امام علی علیه السلام گواهی می دهد، در اسناد روایات صحیح بخاری دیده می شود؛ مانند عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری، عبدالله بن زبیر، عایشه و سمرة بن جندب.

آیا می توان این واقعیت تاریخی را کتمان کرد که معاویه عده ای از صحابه و تابعان را ترغیب کرد که اخباری زشت و قبیح درباره علی علیه السلام نقل کنند و فضایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی علیه السلام فرمود را به نفع خلفای راشدین تحریف نمایند؟ از این رو آنان به جعل کثیری از روایات پرداختند که به رضایت معاویه و سکه های او دست یابند.<sup>۶</sup> بیان این واقعیات تاریخی از زبان علمای اهل سنت محل تأمل است.

## ۲. ایمان و راست گویی راوی (دوری از تدلیس)

قرآن مجید پیروان خود را از اعتماد کردن به گفته هر ناقلی که دارای ایمان حقیقی نباشد

منع نموده است:

۱. آل عمران، ۱۴۴.

۲. توبه، آیه ۱۰۱.

۳. حجرات، ۷.

۴. نک: مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۸.

۵. الرسائل العشر، ص ۵۷ - ۶۱.

۶. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳؛ اصول الحدیث، ص ۱۳۳ - ۱۳۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾<sup>۱</sup>

اما بر اساس مدارک قطعی، تعدادی از روایان احادیث صحیح بخاری دارای ایمان ثابت نبودند و انحراف آنان با دلایلی تاریخی و شواهد قطعی از مطالب مسلم و تردیدناپذیر است. عده‌ای از روایان این کتاب نیز گذشته از انحراف از اسلام و ایمان، دارای سابقه کذب، جعل حدیث و خبرسازی علیه پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام هستند.

بر همگان آشکار است که جعل حدیث و کذب، با ایمان و اسلام راستین سازگار نیست. چگونه می‌توان ادعای اسلام و ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت، ولی به دشمنی و عداوت با علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام پرداخت و علیه آنان اقدام به کذب و ساختن احادیث جعلی کرد؟!

بخاری در جلد اول و «کتاب الایمان» احادیث متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که بر صحت مطلب فوق تصریح می‌کند. انس با سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

آیه الایمان حب الانصار و آیه النفاق بغض الانصار؛<sup>۲</sup>

دوستی و محبت با انصار نشانه ایمان و بغض و دشمنی با انصار نشانه نفاق است.

ابوهریره از پیامبر ﷺ درباره علایم نفاق چنین روایت کرده است:

علامت و نشانه منافق سه چیز است: اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا ائتمن خان.<sup>۳</sup>

حضرت علی علیه السلام فرمود:

والذی فلق الحبة و برة النسمة انه لعهد النبی الامی صلی الله علیه و آله و سلم الی ان لا یجینی الامؤمن ولا یبغضنی الامنافق؛<sup>۴</sup>

قسم به خدایی که دانه را شکافت و بشر را پدید آورد، این پیمانی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به من، که مرا دوست نمی‌دارد، مگر مؤمن و با من دشمنی

۱. حجرات، ۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۸۰.

۴. السنن الکبری، ج ۷، ص ۱۱۱-۱۱۲.

نمی‌کند، مگر منافق.

### ارزیابی تحلیلی عده‌ای از راویان

چنان‌که ملاحظه شد، دوستی و محبت با انصار و علی علیه السلام نشانه ایمان و عداوت و دشمنی با آنان علامت نفاق معرفی شده است.

بنابر دیدگاه محققان، عده‌ای از رجال صحیح بخاری دارای ایمان و عقیده محکم نبودند و از نظر مورخان، در میان این راویان، تعداد افراد دروغ‌گو و غیر قابل اعتماد زیاد است.

ابوجعفر اسکافی - شیخ معتزله - می‌گوید:

معاویه عده‌ای از اصحاب و تابعان را وادار کرد حدیث‌هایی علیه علی علیه السلام جعل کنند و برای این کار آن چنان اجرت مهم و درخور توجهی معین نمود که هر شخص سست و ضعیف‌العقیده را به آسانی بر این عمل جلب می‌کرد. این افراد شامل ابوهریره، عمرو بن العاص، مغیره بن شعبه و عروه بن زبیر هستند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲. ابوهریره

در صحیح بخاری از ابوهریره ۴۴۶ حدیث نقل شده است. از خلفای چهارگانه در اسانید اهل سنت، ۱۴۱۱ حدیث نقل شده که نسبت به احادیث منقول از ابوهریره، کمتر از ۲۷٪ است. او از عمال و ایادی معاویه و از اعضای هیئت جعل حدیث بود و از کسانی است که به علی علیه السلام و خاندانش نسبت‌هایی ناروا داده و درباره معاویه و خلفای سه‌گانه، فضیلت‌هایی جعل کرده است.<sup>۲</sup>

ابوریه در شرح حال ابوهریره، به طور مفصل به نقد و بررسی پرداخته است.<sup>۳</sup> ابوهریره در مواردی که سخنانش برای شنوندگان تعجب‌انگیز و نپذیرفتنی بود، خودش به ساختگی بودن سخنانش اعتراف می‌کرد.

در صحیح بخاری باب ۱۷۹ (وجوب النفقة علی الاهل و العیال) از کتاب النفقات، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از قول ابوهریره نقل شده که چون آخر آن عجیب است، مورد سؤال واقع می‌شود:

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۳.

۲. همان.

۳. اضاء علی السنة المحمدية، ص ۱۹۴ - ۲۲۴.

فقالوا: سمعت هذا من رسول الله ﷺ؟ قال: لا، هذا من كيس أبي هريرة؛<sup>۱</sup>  
گفتند: [ای ابوهریره!] آیا این جمله را از رسول خدا شنیدی؟ گفت: نه، این از کیسه  
ابوهریره است.

## ۲-۲. ابوموسی اشعری

تراجم و رجال اهل سنت - مانند جلد اول از تذکرة الحفاظ و جلد هفتم صحیح مسلم -  
برای ابوموسی، فضایل و مناقبی نقل کرده‌اند. در صحیح بخاری نیز ۵۷ حدیث از او نقل  
شده است.<sup>۲</sup> اما او از مخالفان سرسخت علی علیه السلام و از سلسله جنبانان حوادث ناگوار و  
کمرشکن در عالم اسلام است تا جایی که علی علیه السلام او را در نمازش نفرین کرد.<sup>۳</sup> آن حضرت در  
نامه‌ای به او چهره واقعی اش را به مسلمانان معرفی نمود و او را دنیاپرست و پیرو هوای  
نفس نامید.<sup>۴</sup>

## ۲-۳. عمرو بن عاص

عمرو بن عاص بن وائل از رجال کتاب صحیح بخاری است. صفحات تاریخ، گواه است که  
او در مجلس جعل حدیث معاویه و در جنگ صفین در جبهه معاویه شرکت داشت. حوادث  
خونین پس از جنگ صفین نیز با طرح و مکر و حيله او به وجود آمد تا آن جا که قرآن‌ها را بر  
بالای نیزه کردند و در اثر همین عمل خائنانه، کشته شدن علی علیه السلام به وقوع پیوست. عاص  
بن وائل - پدرخوانده اش - از دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که سوره کوثر در مقام رد استهزای  
او نازل شد.<sup>۵</sup>

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

تعجب می کنم از پسر زنی زناکار که از راه دروغ به مردم شام می گوید که من (علی علیه السلام)  
مردی بسیار شوخ و بازیگوش هستم و این کار مورد علاقه من است. او سخنی نادرست  
گفته و با این گفتارش مرتکب گناه شده است. آگاه باشید! بدترین گناه، دروغ است.  
عمرو سخنی که بر زبان می راند با دروغ همراه است. اگر بر کسی وعده دهد، خلف  
وعده می کند. او در پرسیدن پر حرف و در پاسخ گفتن بخیل است. در پیمان خود

۱. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۲۰.

۲. سیری در صحیحین، ص ۷۹.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۹.

۴. نهج البلاغه، نامه ۶۳ و ۸۷.

۵. سیری در صحیحین، ص ۸۱.

خیانت می‌ورزد؛ از خویشاوندانش دوری (قطع رحم) می‌کند؛ چون در میدان جنگ حاضر می‌شود تا شمشیرها به کار نیفتاده‌اند برای تهییج فساد و افروختن آتش جنگ حاضر است و چه بسیار امر و نهی و زبان بازی می‌کند، ولی وقتی شمشیرها از غلاف بیرون آمد و جنگ شروع شد، بزرگ‌ترین مکر و حيله او آن است که عورت خود را به مردم نشان دهد. بدانید! به خدا قسم یاد مرگ مرا از شوخی و بازی، باز می‌دارد و فراموشی از آخرت، عمر را از گفتار حق مانع می‌شود. او با معاویه بیعت نکرد مگر به این شرط که از عطیه و جایزه او برخوردار باشد و در مقابل این که عمر او از دین خودش دست برمی‌دارد، معاویه رشوه‌ای اندک (حکومت مصر) را به او می‌دهد.<sup>۱</sup>

#### ۲-۴. عمران بن حطان

وی از رؤسای خوارج و از خطبای آنان است. این شخصیت از رجال حدیث اهل سنت به شمار می‌رود و بخاری در صحیح خود از وی حدیث نقل کرده است. بخاری از خاندان پیامبر اکرم ﷺ و از سبط اکبر، امام حسن مجتبیٰ علیه السلام حدیثی نیاورده است، اما از عمران بن حطان که در عداوت و دشمنی با علی علیه السلام در ضمن اشعاری ابن ملجم را ستوده، حدیث نقل می‌کند:

یا ضریبة من تقی ما اراد بها الالیبلیغ من ذی العرش رضوانا؛<sup>۲</sup>

چه ضربتی بود از آن پرهیزکار! که از آن جز رسیدن به رضایت خداوند هدفی نداشت!

ابن حجر می‌گوید:

حفاظ در یکصد و ده حدیث بخاری تشکیک کرده و آنها را فاقد صحت می‌داند و هشتاد تن از چهارصد راویانی که منحصراً در صحیح بخاری آمده، تضعیف شده‌اند.

احمد محمد شاکر گفته است:

در صحیحین روایات فراوانی از راویانی که اهل تدلیس‌اند، آمده است.<sup>۳</sup>

#### نقد تحلیلی بر اسناد بخاری

با این اوصاف جای شگفتی است که چگونه درباره روایاتی که بخاری در صحیح آورده گفته شده است:

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۴۰؛ شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۷۹.

۲. اضاء علی السنة المحمدية، ص ۳۲۷؛ سیری در صحیحین، ص ۸۵.

۳. همان، ص ۳۵۳؛ برای آگاهی بیشتر، نک: اضاء علی السنة المحمدية، ص ۳۲۴-۳۲۶.

کل من روی عنه البخاری فقد جاوز القنطرة؛<sup>۱</sup>

هرکس که بخاری از او نقل کرده باشد، از پُل (جرح و تعدیل رجالیان) گذشته است.

اما واقعیت نشان می‌دهد که او از افراد فاسق و فاجر، خارجی و ناصبی، دین به دنیا فروخته همچون عمرو بن عاص، مروان بن حکم، ابوسفیان، معاویه، مغیره بن شعبه، عبدالله بن عمرو بن عاص، نعمان بن بشیر - که تا آخرین لحظه ملازم معاویه و فرزندش یزید بود و در تمام جرایم آنان شرکت داشت -، ابوهیره، ابوموسی اشعری، عبدالله بن زبیر، عمران بن حطان - از رؤسای خوارج و از خطبای آنان -، عروة بن زبیر، عکرمة - حامل انتشار مذهب خوارج و اباضیه در مغرب - و ... روایات فراوانی نقل کرده است؛ ولی از علی علیه السلام - که باب مدینه العلم بود - ۱۹ حدیث و از حضرت زهرا علیها السلام - دختر پیامبر صلی الله علیه و آله - تنها یک حدیث نقل کرده است. او از امام حسن علیه السلام که هم سن عبدالله بن زبیر بود، زید بن علی که دارای مسند و امام فرقه زیدیه است، امام صادق علیه السلام که بیشترین سهم را در ترویج فرهنگ اسلامی در مدینه پس از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام داشت، امام کاظم و امام رضا علیهما السلام از نظر دانش و معرفت اسلامی شهره آفاق اند، امام جواد و امام هادی علیهما السلام که هم عصر او بودند و هر یک مرجع علوم، معارف و حدیث اسلامی به شمار می‌آمدند، حتی یک حدیث نقل نکرده است.<sup>۲</sup>

پس چگونه است که دانشمندان مسلمان، ایمان و عدالت صحابی را جزو شروط بخاری بر شمرده‌اند، در حالی که عملاً در سند احادیث کتاب وی، این شروط در موارد متعدد نقض می‌شود. با وجود هم‌عصری بخاری با امام حسن عسکری علیه السلام و این که شهادت امام عسکری علیه السلام چهار سال پس از وفات بخاری بوده و از شروط بخاری معاصرت و ملاقات ذکر شده است، بخاری - که با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله معاصر بوده - حتی یک حدیث نیز از آن حضرت نقل نکرده است. تنها شاهکار بخاری و مسلم در نقل حدیث از ائمه اهل بیت علیهم السلام، آن است که به امام سجاد علیه السلام حدیث‌هایی دروغین و ساختگی نسبت داده‌اند و از زبان آن حضرت نقل کرده‌اند که حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام برای نماز خواندن بیدار نمی‌شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بیدار کرد و علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله جمله‌ای گفت که آن

۱. اضاء علی السنة المحمدية، ص ۳۱۵.

۲. حدیث‌شناسی، ص ۱۴۲-۱۴۳.

حضرت در مقام انتقاد و تعریض نسبت به علی علیه السلام این آیه را خواند: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا».

در حدیثی دیگر نیز از زبان حضرت سجاد علیه السلام داستان مشروب خوردن و مست شدن حضرت حمزه را نقل کرده‌اند؛ گویا به عقیده بخاری و مسلم، از خاندان عصمت غیر از این دو حدیث، حدیث صحیح دیگری نقل نشده است.

از سوی دیگر، بخاری شش سال در حجاز - که مرکز نشر علم امام صادق علیه السلام بود - برای اخذ حدیث اقامت کرد و به قدری به مراکز شیعه (بغداد و کوفه) آمد و رفت داشت که تعداد سفرهایش به این دو شهر را فراموش کرد. وی از عده زیادی مانند عبدالوهاب ثقفی، خاتم بن اسماعیل، مالک بن انس و وهب خالد که از امام صادق علیه السلام نیز حدیث آموخته‌اند، اخذ حدیث کرد که همه از مشایخ حدیث بخاری هستند؛ اما به احادیثی که آنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند، اشاره نکرده است.

بخاری که در شناسایی افراد و رجال، مهارت تام و تخصص کامل داشته و کتاب خود *(التاریخ)* را برای تمییز تشخیص رجال حدیث نوشته است، چگونه شخصیت علمی امام صادق علیه السلام را از نظر پنهان داشته است؟ تا آن جا که ابن تیمیه در *منهاج السنة*<sup>۱</sup> عذر بخاری را درباره جعفر بن محمد علیه السلام از یحیی بن سعید به دلیل شنیدن حرفی می‌داند که مانع از نقل حدیث از امام ششم علیه السلام شده است.

اگر امام صادق علیه السلام از نظر فضل و تقوا، علم و دانش شخص مجهول به شمار می‌آمد یا بخاری در شناختن رجال، فردی ناآگاه بود، شاید اعتذار ابن تیمیه پذیرفته می‌شد؛ اما واقعیت‌های تاریخی تمام این احتمال‌های ساختگی را رد می‌کند. آیا نقل نکردن حدیث از امام صادق علیه السلام توسط بخاری، به جز عناد و دشمنی می‌تواند منشأ دیگری داشته باشد؟<sup>۲</sup>

### ۳. بررسی وثاقت راویان

از جمله شرایط اصلی حدیث در کتاب بخاری، وثاقت راویان است. کرمانی در شرح خود معتقد است:

اتفاق امت اسلامی بر عدالت، وثاقت و نیکوکاری همه راویان صحیحین، به ویژه

۱. منهاج السنة، ج ۴، ص ۱۳۳.

۲. سیری در صحیحین، ص ۸۹-۹۱ با تلخیص.



### صحیح بخاری منعقد است.<sup>۱</sup>

روشن است که این ادعایی بیش نیست؛ زیرا درباره توثیق یک راوی و معیارهای وثاقت وی، بین رجالیون اتفاق نظر وجود ندارد تا چه رسد به ائمت اسلامی. در این باره حتی بین بخاری و مسلم از جهت جرح و تعدیل راویان اتفاق نظر کامل وجود ندارد.<sup>۲</sup> افزون بر اختلافات بخاری و مسلم با یکدیگر، این دو نفر بعضاً از راویانی به نقل روایت پرداخته‌اند که توسط رجالیون دیگر تضعیف شده‌اند. این مطلبی است که برخی از بزرگان اهل سنت از جمله عراقی، بدرالعینی و علامه مقبلی بر آن تصریح کرده‌اند. این صلاح می‌نویسد:

بخاری به جماعتی از راویان احتجاج کرده که محدثان پیش از وی، آنان را جرح کرده‌اند که از جمله آنان عکرمه مولی بن عباس، اسماعیل بن ابی‌اویس، عاصم بن علی، عمرو بن مرزوق و دیگران‌اند. مسلم نیز به جماعتی از جمله سوید بن سعید احتجاج کرده که طعن آنان مشهور است، چنان‌که روش ابوراود نیز چنین بوده است.<sup>۳</sup>

محققانی چون سید محمد رشیدرضا، دکتر احمد امین و محمود ابوریه بر غیر موثق بودن بسیاری از راویان موجود در سندهای صحیحین تأکید کرده‌اند.<sup>۴</sup>

### نتیجه

منهج بخاری درگزینش احادیث نبوی با توجه به توصیه استادش ابن‌راهویه تمییز روایات صحیح از غیر آن و تبویب احادیث بوده است. گرچه بخاری از معیارهای انتخاب روایات و راویان سخنی در کتاب خود ندارد، اما با عنوان کتاب بخاری می‌توان به ملاک‌های وی دست یافت. با بررسی‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد معیارهای گزینش بخاری در احادیث از دیدگاه متأخران، تبیین و تبویب تمام ابواب هشت‌گانه، احادیثی است که دارای اتصال سند تا پیامبر یا صحابه‌اند و از راویان ثقه و عادل نقل شده باشند، به گونه‌ای که شرط ملاقات و معاصرت راوی با مروی‌عنه نیز ملحوظ باشد. از سوی دیگر روایت از هرگونه تدلیس و تخلیط پیراسته باشد. با پژوهش در احوال راویان احادیث

۱. شرح کرمانی بر صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷.

۲. منهج الامام البخاری، ص ۱۴۵، به نقل از جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۳. اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۰-۳۱۱.

۴. همان، ص ۳۰۲-۳۰۶.

بخاری، ملاحظه می‌شود که شروط مذکور در اسناد روایات در نظر گرفته نشده است که عالمان اهل سنت نیز بر این مسئله تأکید کرده‌اند؛ راویانی مانند عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری، عمران بن حطان، ابوسفیان، معاویه و ابوهریره - که تاریخ گواه خوبی بر فاسق، فاجر و دین به دنیا فروخته بودن آنان است. در مقابل، از افراد صادق و سرچشمه معارف اسلامی - که صحابی خاص پیامبر ﷺ یا امامان معصوم علیهم‌السلام بوده‌اند - یا هرگز روایتی نقل نکرده و یا اگر نقل کرده، نسبت به دیگران بسیار اندک است. حاصل آن که بسیاری از معیارهای متنی و سندی ذکر شده در بخاری، در موارد متعدد با روایات نقل شده در آن، کاملاً دارای تضاد و تباین است.

## کتاب نامه

- اسد الغابة في معرفة الصحابة، عزالدین ابن اثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- اصول الحديث، عبدالهادی فضلی، ترجمه: محمدمهدی حقی و ابراهیم اقبال، تهران، چاپ سپهر، ۱۳۸۴ش.
- اصول الحديث، علومه و مصطلحه، محمد عجاج خطیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- اضاءة على السنة المحمدية، محمود ابوریه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۸ش.
- تدريب الراوی، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴ق.
- جوامع حدیثی اهل سنت، مجید معارف، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸ش.
- الحديث والمحدثون، محمد ابوزهو، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
- حدیث شناسی، علی نصیری، قم، انتشارات سنابل، ۱۳۸۳ش.
- حياة البخاری، محمود الارنادوط، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۲ق.
- درایة الحديث، کاظم مدیر شانه چی، مشهد، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- الرسائل العشر فی الاحادیث الموضوعة فی كتب السنة، سیدعلی حسینی میلانی، قم، نشر حقائق، ۱۴۲۸ق.
- سيرة الامام البخاری، عبدالسلام مبارکفوری، مکه، دارعلم الفوائد، ۱۴۲۲ق.
- سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ش.
- السنن الكبرى، أحمد بن شعيب النسائي، تحقيق: عبدالغفار سليمان البنداري، بيروت، دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ق.
- شروط الائمة الخمسة، ابن قیسرانی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۹۸۴م.
- شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق: الشیخ قاسم الشماعی علی الرفاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ق.
- علوم الحديث و مصطلحه، صبحی صالح، قم، مکتبة الحیدریة، ۱۳۷۵ش.
- گلچین ترجمه فارسی دری صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری. ترجمه: عبدالعلی نور

- احراری، بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱ش.
- مجمع‌البیان، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
- المنهاج فی شرح صحیح مسلم، محیی‌الدین ابوزکریا نووی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- منهج الامام البخاری، ابوبکر کافی، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۱ق.
- منهج المحدثین، یاسر شمالی، نشر الجامعة الاردنية، ۱۴۱۸ق.
- هدی الساری، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.